

ارتباط خانواده و مدرسه در رویکرد انسان‌گرا

الهام بهره‌مندپور / پیش دبستان دخترانه ناحیه ۱

خانواده‌ها و معلمان ممکن است آرزو داشته باشند که مدرسه بتواند کارش را به تنهایی انجام بدهد، اما مدارس امروز به خانواده‌ها نیاز دارند و خانواده‌های امروز به مدرسه نیاز دارند. به شکل‌های زیادی این نیاز مشترک ممکن است بزرگترین امید برای تغییر باشد.

«دوروتی ریچ»

همان‌طور که می‌دانیم امروزه رویکرد آموزشی انسان‌گرایی جایگاه پررنگی در تعلیم و تربیت جوامع متمدن دارد. شاید استقبال جوامع غربی از این رویکرد و الگوهای آن، نوعی مقابله با بحرانی است که خانواده‌ها را تهدید می‌کند. در این نوشتار نگاهی گذرا خواهیم داشت بر نقش خانواده در سیستم‌های آموزشی انسان‌گرا و اهمیت پیوند اولیا و مربیان در این رویکرد.

امروزه روانشناسی انسان‌گرا با الگوهای متنوعی در نظام آموزشی جوامع مختلف وارد شده و سیستم‌های متنوعی را رقم زده است. در واقع، برنامه‌ریزان آموزشی این گرایش آموزشی را متناسب با زمینه و بافت جامعه خود بومی‌سازی کرده‌اند که این بومی‌سازی خود یکی از اصول انسان‌گرایی است. اما وجه مشترک این الگوها ارتباط تنگاتنگ و درهم تنیده خانه و مدرسه است. خانواده‌ها حتی در تعیین محتوای آموزشی نقش دارند و بومی‌سازی رویکرد با تعامل خانواده‌ها در برنامه‌های مراکز آموزشی و نظارتی که درباره تعیین محتوا و برنامه‌ها داشته‌اند، صورت گرفته است. پس مشارکت خانواده‌ها به جلسه‌های ماهیانه یا حتی هفتگی اولیا و مربیان خلاصه نمی‌شود، بلکه در نظرخواهی‌ها، کارگاه‌های هم‌فکری و برنامه‌های مشارکتی، دیدگاه خانواده‌ها روشن می‌شود. از طرفی، از آن‌جا که در این رویکرد آموزشی محیط هم نوعی آموزشگاه است، بنابراین اهمیت فضای خانه کمتر از کلاس درس نیست و آنچه در محیط خانه رخ می‌دهد، می‌تواند محرک ارزشمند یادگیری محسوب شود.

در الگوی خانواده فعال از این رویکرد، والدین دانش‌آموزان را در مراکز آموزشی جذب می‌کنند و بعضی از شکل‌های این الگو تا آن‌جا پیش می‌رود که در برخی روزها والدین به همراه کودک در مرکز آموزشی حاضر می‌شوند و با هم آموزش می‌بینند، چراکه رشد کودک را از بزرگسال جدا نمی‌دانند. طرفداران این الگو، کودک را دارای پیشینه‌ای فرض می‌کنند که این پیشینه در آموزش او مهم است و بدون توجه به آموزش خانواده، نمی‌توان انتظار داشت که اتفاق مهمی برای کودک رخ دهد. به عبارت دیگر نیاز فرد در نیاز خانواده مستتر است. پس اگر فضای خانواده بیشتر بر کشاورزی باشد، در این الگو بخش مهمی از جریان آموزش منطبق بر برنامه‌های کشاورزی همان منطقه استوار می‌شود. به این ترتیب، سیستم آموزشی با تعامل فعال با خانواده و محیط فرهنگی، اجتماعی و معیشتی‌اش، نیازها را شناسایی می‌کند و این نیازها را مبنای طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی خود قرار می‌دهد.

توجه به الگوهای سنتی جامعه و بازتولید آن‌ها در شکل‌های نوین، یکی دیگر از شاخص‌های این رویکرد آموزشی است. یعنی به جای پرداختن به این‌که چه چیزهایی را باید به کودکان آموزش داد، براساس آنچه در جامعه جاری است، محتوای آموزشی را تنظیم کرد. اولین اصل بسیار مهم در تمام جوامع سنتی شرکت در مراسم مختلف جامعه مثل عروسی‌ها، عزاداری‌ها، اختلاف‌ها و حکمیت‌ها است که کودکان از بودن در آن‌ها منع نمی‌شوند. دومین اصل، مشارکت کودکان در کار خانوادگی و برنامه‌ریزی برای استفاده از نیروی آن‌ها است. پس کودکان با بخش مهمی از فرهنگ کار جامعه آشنا می‌شوند. سومین ویژگی، زندگی در خانواده گسترده است. به این معنی که ارتباط وسیع و گسترده‌ای با انسان‌های پیرامون خود دارند، با آن‌ها حرف می‌زنند و آن‌ها را تجربه می‌کنند. بنابراین، درک روابط و مناسبات اجتماعی، آشنایی با فرهنگ کار و ارتباطات گسترده بنیاد آموزش و پرورش در این رویکرد محسوب می‌شود و خروجی آن، شهروندی است که آمادگی شکل دادن به زندگی در ابعاد مختلف را

خواهد داشت.

با توجه به این‌که، مطالعه و بررسی رویکردهای مختلف آموزشی از سال گذشته در بین مدیران و معلمان مجتمع به هدف آگاهی و ورود به روش‌های جدید در دستور کار قرار گرفته است، پیش‌دبستان جوادالائمه نیز برخی فعالیت‌های مدرسه مثل جشن‌ها و اعیاد را با مبنای رویکرد انسان‌گرا بازتعریف کرده است. مثلاً در جشن‌های ملی بهمن ماه والدین در کنار کودکان و مربیان، در برپایی نمایشگاه دست‌های توانا، دل‌های مهربان برای به نمایش گذاشتن دست‌سازهای فرزندان خود مشارکت می‌کنند. دانش‌آموزان در این فضای جدید که در آن خانواده‌ها در کنار مربیان محیط یادگیری جمعی را شکل می‌دهند، ارتباطات گسترده را در مناسبات اجتماعی تجربه می‌کنند، و بدین ترتیب مدرسه به بخشی از هدف‌های آموزشی رویکرد انسان‌گرا دست می‌یابد.

کلاس شیشه‌ای یا به عبارتی حضور آزادانه والدین در کلاس درس، از برنامه‌های آینده این مرکز است، که در شکلی دیگر مشارکت والدین را در فرایند آموزش کودکان مهیا می‌کند. فرصتی که پدر و مادر می‌توانند بی واسطه رفتار فرزند خود با همسالان و مربی را مشاهده کنند، توانایی او در یادگیری و پاسخگویی را بسنجند و درباره چگونگی تعامل با کودک، با مربی تبادل نظر داشته باشند.

پویایی‌ای که همین تغییرات کوچک در فضای مدرسه ایجاد کرده است، انگیزه‌ای است برای مطالعه و شناخت بیشتر رویکردهای آموزشی جدید رایج در دنیا، تا همواره محیط آموزشی را در مسیر مناسبی هدایت کنیم و شوق یادگیری را در دانش‌آموزان خود زنده نگه داریم...

منبع

• یوسفی، ناصر، (۱۳۹۲). رویکردهای آموزشی. چاپ دوم، تهران: موسسه پژوهشی کودکان دنیا.